

## The Future Perspective of Islam and Iran and its Evolutionary Stages based on the Islamic Style

### ARTICLE INFO

#### Article Type

Research Article

#### Authors

Abdulmahdi Sharif Nezhad<sup>1\*</sup>

Kouros Asmand<sup>2</sup>

Hassan Ahmadi<sup>3</sup>

Alireza Sharif Nezhad<sup>4</sup>

#### How to cite this article

Abdulmahdi Sharif Nezhad, Kouros Asmand, Hassan Ahmadi, Alireza Sharif Nezhad, The Future Perspective of Islam and Iran and its Evolutionary Stages based on the Islamic Style, Islamic Life Style. 2023; 7 (2) :40-48

1. PhD in Department of Jurisprudence and Law, Farhangian University, Tehran, Iran (corresponding author.)

2. PhD in Department of Islamic Philosophy and Theology, Farhangian University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Political Science, Imam Hossein University, Tehran, Iran.

4. MA Student, Criminal and Criminology Department, Mofid University, Tehran, Iran.

\* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: mehdi21592159@gmail.com

#### Article History

Received: 2022/12/12

Accepted: 2023/03/16

### ABSTRACT

From the very beginning, the Islamic Revolution of Iran saw its mission as global and did not limit itself to the borders of the country of Iran. In practice, it also seeks to develop its thinking, therefore, in the words of the elders of this revolution, the defense of the deprived and the oppressed of the world is always heard, which itself expresses the global mission of the Islamic Revolution of Iran. Islamic unity and the creation of a new Islamic civilization based on religion, rationality, science and ethics based on Islamic style will take place.

**Keywords:** Islamic Civilization, Vision, Imam Khomeini, Ayatollah Khamenei

## چشم انداز آینده اسلام و ایران و مراحل تکاملی آن مبتنی بر سبک اسلامی

عبدالمهدی شریف نژاد<sup>۱</sup>

دکتری تخصصی، گروه فقه و حقوق، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

کوروش آسمند<sup>۲</sup>

دکتری تخصصی، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

حسن احمدی<sup>۳</sup>

استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران.

علیرضا شریف نژاد<sup>۴</sup>

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه جزا و جرم شناسی، دانشگاه مفید، تهران، ایران.

### چکیده

انقلاب اسلامی ایران از همان آغاز تاسیس رسالت خود را جهانی میدید و تنها به تحدید در مرزهای کشور ایران بسنده نکرد. در عمل نیز به دنبال توسعه تفکر خود است از همین رو در کلمات بزرگان این انقلاب همواره دفاع از محرومان و مستضعفان عالم شنیده می شود که خود بیانگر رسالت جهانی انقلاب اسلامی ایران است. چشم انداز ایران و اسلام را باید اینگونه تصور کرد که تشکیل امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه دین و عقلانیت و علم و اخلاق مبتنی بر سبک اسلامی به وقوع خواهد پیوست.

**کلمات کلیدی:** تمدن اسلامی، چشم انداز، امام خمینی، آیت الله خامنه ای.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

\*نویسنده مسئول: mehdi21592159@gmail.com

### مقدمه

مُدن و فرهنگی که ما وارث آن هستیم و بنام فرهنگ و تمدن اسلامی شناخته می شود برگرفته از رهنمودهای قرآن کریم، این کتاب آسمانی تمدن ساز است که انسان را همواره به اندیشیدن و تأمل در احوال خویش و محیط پیرامونش دعوت می کند و این همان ویژگی محوری است که سایر تمدنهای جهانی با تمامی ادعاها و دستاوردهای خویش فاقد آن بوده و هستند. هرچند عصر طلایی تمدن اسلامی را قرون اولیه اسلامی می دانند اما تمدن اسلامی با آن سابقه، ریشه و دستاوردهای ارزنده برای بشریت به طور حتم از این ظرفیت و قابلیت برخوردار است که روزهای پرشکوه گذشته را دوباره تجربه کند. قرآن این میراث عظیم پیامبر مخصن به گذشته نبوده و نیست و با بهره گیری از نصایح این منبع الهی در هر دوره و با توجه به مقتضیات و شرایط زمانی، مکانی مسلمانان می توانند تمدن اسلامی را بارور سازند. انقلاب اسلامی ایران که برخی حتی از آن به عنوان شگفتی قرن بیستم یاد می کنند از آن جمله وقایعی بود که توانست مسلمانان را نه تنها در ایران بلکه در سراسر گیتی از خوابی طولانی بیدار ساخته و تاریخ و تمدن پرشکوه گذشته شان را به آنها یادآور ساخته و مهمتر آنکه آنان را متوجه استعدادها، قابلیتها و توانمندیهایشان سازد. انقلاب اسلامی ایران تحولی عظیم و بنیادی و انقلابی معنوی بود که بسیاری از ساختارها را درهم شکست و تحولات اجتماعی و انقلابی در جهان را نیز دچار تغییراتی کرد، به همین دلیل تأثیر شگرف و متفاوتی در صحنه جهان گذاشت. این تحول بنیادین که به رهبری امام خمینی(ره) به وقوع پیوست بر اساس اصولی بنا نهاده شد که نشأت گرفته از مذهب تشیع بود و با خیلی از انقلابهای مادی گرای عصر حاضر متفاوت بود، از این رو چالشهای منطقه ای و فرامنطقه ای زیادی را به دنبال داشت. انقلاب مذکور حادثه بزرگ قرن بیستم بود که علاوه بر تحول بنیادین و فراگیر در ایران، بازتاب و دستاوردهای جهانی فراوانی داشت و با احیاء تفکر دینی بویژه در صحنه سیاست و جامعه و اداره زندگی بشری، بسیاری از تئوریهها و اصولی را که قطعی و خدشه ناپذیر معرفی شده بودند مورد چالش قرار داد. این انقلاب مبدأ تحولات عظیمی در صحنه سیاست و فرهنگ و اجتماع گردید و سرآغاز الهام بخش بسیاری از حرکتیهای ضد استعماری و نهضتیهای استکبارستیز قرار گرفت و با گذشت بیش از یک ربع قرن همچنان بزرگترین دشمن و مانع قدرتهای تمامیت طلب و استعمارگر است. انقلاب اسلامی دارای ماهیتی است که با منافع و اهداف سلطه گران و ستم پیشگان جهان در تضاد است؛ لذا هیچ گاه سردمداران کفر و استکبار، ظهور انقلاب اسلامی را در عرصه بین المللی تحمل نکرده، با تمام وسایل و امکاناتی که در اختیار دارند، به مقابله با آن برمی خیزند. ایران با انقلاب اسلامی تفکر و نگرش جدیدی را بر خلاف نگرشهای حاکم در نظام دو قطبی جهان روز ارایه و به ملل دنیا عرضه کرد و به نوعی در دوران جنگ سرد، اندیشه های سوسیالیستی و لیبرالیستی را به چالش طلبیده است. با انقلاب اسلامی سیاست موازنه منفی و سیاست نه شرقی و نه غربی در دستور کار دیپلماسی ایران قرار گرفت و بر این اساس روابط خود را با ملل جهان سر و سامان داده است. حال باید دید چشم انداز ایران و انقلاب به کجا می رسد.

این اتفاق مبارک باید صورت پذیرد. آنگاه مشاهده خواهد شد که چگونه دست اجانب از این ممالک کوتاه خواهد شد. ایشان می فرماید: ای مسلمانان بر فرهنگ اسلام تکیه زیند و با غرب و غربزدگی مبارزه نمایید و روی پای خودتان بایستید و بر روشنفکران غربزده و شرقزده بتازید و هویت خویش را دریابید که روشنفکران اجیر شده بلایی بر سر ملت و مملکتشان آورده اند که تا متحد نشوید و دقیقاً به اسلام راستین تکیه ننمایید، بر شما آن خواهد گذشت که تاکنون گذشته است. [۳] با عنایت به این نکته مهم که امام(ره) تنها به دنبال وحدت مسلمانان نبودند بلکه وحدت بشریت و تشکیل امت واحده جهانی را نیز مدنظر داشتند، تحقق وحدت در میان مسلمانان خود زمینه ساز و الگویی برای تشکیل امت واحده محسوب می شود.

جهانگرایی اسلامی در اندیشه امام خمینی دارای سه رکن اساسی است که عبارتند از:

۱- تحقق یک حکومت اسلامی کارآمد در ایران و بر عهده گرفتن نقش و مرکزیت جهانگرایی اسلامی

۲- تحقق وحدت مسلمانان

۳- اصلاح طلبی در سطح نظام بین الملل و تلاش برای شکل گیری یک نظام مطلوب.

از نظر امام(ره) یک نوع تقدم رتبی و زمانی میان سه رکن مذکور، به ترتیبی که ذکر شد، وجود دارد. [۴] بنابراین مشخص است که مقوله وحدت اسلامی در اندیشه امام(ره)، مقوله ای راهبردی و استراتژیک است که خود زمینه ساز تشکیل امت واحده جهانی است و تا وحدت اسلامی شکل نگیرد، امت واحدهای هم شکل نخواهد گرفت.

۳- چشم انداز آینده اسلام و ایران از نظر آیت الله خامنه ای  
مقام معظم رهبری معتقدند ملت بزرگ ایران با توجه به استعدادهایش می تواند در دنیا بدرخشد و تمدن عظیم اسلامی را در مقابل چشم جهانیان بگذارد. ایشان می فرمایند: این کشور باید ساخته شود، این کشور باید پیش برود. این ملت بزرگ بایستی استعدادهایش شکوفا گردد؛ بایستی در دنیا بدرخشد و بالاخره آن تمدن عظیم اسلامی را در مقابل چشم جهانیان بگذارد و نشان دهد. ما هنوز اول راه هستیم. ما در ابتدای راهیم. انقلاب، موانع را برداشت، ما را به راه انداخت و ما راه افتادیم. هنوز اوایل راهیم؛ هنوز وقت آن نیست که به مسائل جزئی پردازیم و عیوب کوچک را در هم بزرگ کنیم. مقام معظم رهبری معتقدند: با هدایت الهی و با ادعیه و هدایت های معنوی امام زمان ملت ایران می تواند کاخ با عظمت تمدن اسلامی را بر افراشته نماید و این آینده قطعی ملت ایران است. ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمکهای معنوی غیبی و با ادعیهی زاکیه و هدایت های معنوی ولی الله الاعظم ارواحناده خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آیندهی قطعی شماست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند [۵]

۲- چشم انداز آینده اسلام و ایران از نظر امام خمینی  
از نظر امام خمینی مسلمانها می بایست امت اسلامی و سپس امت جهانی را تشکیل دهند امری که از آن تعبیر به تشکیل تمدن اسلامی می شود.

اگر حکومت اسلامی در معنای قرآنی و اسلامی آن در ممالک مسلمان اجرا شود رفته رفته با وحدت کلمه حکومت اسلامی تبدیل به امت اسلامی تبدیل شده و همواره ثابت و پایدار باقی خواهد ماند. ما برای اینکه وحدت امت اسلام را تأمین کنیم، برای اینکه وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولتهای دست نشانده ی آنها خارج و آزاد کنیم، راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت بدهیم. چون به منظور تحقق وحدت و آزادی ملت های مسلمان بایستی حکومت های ظالم و دستن شونده را سرنگون کنیم و پس از آن حکومت عادلانه اسلامی را که در خدمت مردم است بوجود آوریم. تشکیل حکومت برای حفظ نظام و وحدت مسلمین است، چنانچه حضرت زهرا - سلام الله علیها - در خطبه خود می فرماید که «امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است [۱] و اگر امروز قشرهای مختلف ملتها، از علمای دینی تا گویندگان و نویسندگان و روشن بینان متعهد، قیام همه جانبه نکنند و با بیدار کردن توده های عظیم انسانی - اسلام به داد کشورها و ملت های تحت ستم نرسند، کشورهایشان بی شک به نابودی و وابستگی همه جانبه بیشتر و بیشتر خواهد کشید، و غارتگران ملحد شرقی و بدتر از آنان ملحد غربی ریشه ی حیات آنان را می مکد و شرافت و ارزشهای انسانی آنان را به باد فنا می سپارند. [۲]

در هر جامعه نیاز به کسانی هستند که مردم را از دوری آنچه که از طرف خداوند توسط پیامبران به ما عطا فرموده، نگهدارد. تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت یکی از ضروریات زندگی بشر می باشد که بدون حکومت زندگی بشر دچار هرج و مرج و دچار از هم پاشیدگی و تزلزل می شود. حکومت برای سبات و برقراری نظم و امنیت جامعه نقش زنده و اساسی دارد. برای اینکه احساسات و ارزشهای انسانی را احیا کنیم، باید اول حکومت اسلامی در جامعه برقرار شود. البته در طول تاریخ بشر حکومت های مختلفی را در گوشه و کنار این کره ی خاکی تجربه کرده است که مغایر با فطرت انسانی و شأنیت انسانی بوده و تا حال فعال است که مردم با این چنین حکومتها دست و پنجه نرم می کنند. که غیر از ظلم، استبداد و استثمار، چهره ای از خود نشان نداده اند. آیا این چنین حکومتها را با این خصوصیات میتوان قبول کرد؟ هر جامعه نیاز به صلح و امنیت دارد. برای اینکه مردم به امور زندگی خود؛ اجتماعی، دینی، به طور درست زندگی کند نیاز به فضای همدلی و همقبولی دارد تا زندگی خود را به وجه احسن پیش ببرد. حالا که امام زمان(عج) در پشت پرده ی غیبت به سر می برد، جامعه ی بشری به خصوص جامعه ی اسلامی ضرورت به حکومت دارد تا شرایط بهتر زیستن را فراهم کند و دستورات الهی را جاری سازد. اولین قدم در راه تحقق وعده های الهی و پیروزی اسلام قیام برای خداوند می باشد. و طبق فرمایشات حضرت امام(ره) چاره ای نداریم جز اینکه تشکیل حکومت اسلامی بدهیم. در ابتدا باید ریشه ی ظلم خشکانده شود، در غیر این صورت اگر قیامی صورت بگیرد به راحتی و با کمک استعمار برچیده سرکوب خواهد شد. تشکیل وحدت بعد از

به بزرگراه رسید - که آن، دوران ظهور حضرت بقیه‌الله است - آنجا حرکت اصلی انسان آغاز خواهد شد؛ حرکت سریع انسان آغاز خواهد شد؛ حرکت موفق و بی زحمت انسان آغاز خواهد شد. زحمت فقط عبارت است از همین که انسان در این راه حرکت کند و برود؛ دیگر حیرتی در آنجا وجود نخواهد داشت [۷]

مقام معظم رهبری معتقدند با توجه به میراث گذشته و استعداد بسیار ارزنده ما و همت و انگیزه نخبگان ایران و گرایش دینی و خدایی جوانان، ایران خواهد توانست تمدن اسلامی متعلق به ایران را ایجاد کند و الگو برای سایر امت های اسلامی شود. چشمانداز حرکت ملت ایران با این زمینهای که مشاهده می کنید، چشمانداز بسیار روشنی است؛ هم میراث گذشته ی ما، هم موجودی استعداد بسیار ارزنده ی ما، هم همت و انگیزه ای که در بیانات دوستان این جلسه به طور واضح این انگیزه و این اهتمام احساس می شود و هم گرایش دینی و خدائی در این حرکت، همه در مجموع یک ثروت عظیم ملی است برای ما. همه ی اینها به ما نوید می دهد که ما این شاء الله خواهیم توانست تمدن اسلامی متعلق به ملت ایران را برای این دوره و برای امت اسلامی در این زمان بار دیگر سر دست بیاوریم و الگویی را برای حرکت امت اسلامی این شاء الله ارائه بدهیم [۸]

۴- چشم انداز آینده اسلام و ایران در قوانین و مقررات

۴-۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی مترقی ایران که بوسیله روحانیت و روشنفکران در اوایل انقلاب به وسیله مجلس خبرگان ملت تدوین شد و بعد از تدوین برای تایید به همه پرسی گذاشته شد و با رای ۷۵/۲۳ درصد به تصویب رسید حاوی عناصری برای تکوین تمدن اسلامی در سرزمین ایران است. که به اختصار به عناصر تمدن ساز قانون اساسی اشاره می شود:

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نمونه شایسته ای از قانون اساسی مبتنی بر شریعت اسلامی، و در عین حال بر روشهای متمدنانه در اداره امور جامعه و همچنین بر علوم و دانش روز انسان، استوار است.

۲- خاستگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوانین اسلامی و ارزشهای دینی را در خود جمع کرده است. (اصل ۲ قانون اساسی)

۳- محور اساسی قانون اساسی اراده ملی و قوانین الهی است (اصل ۲ قانون اساسی)

۴- عنایت کامل قانون اساسی ایران به حقوق اقلیتها علیرغم اینکه تعداد آن کمتر از ۲٪ از جمعیت ایران می باشد. به صورتی که در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی برطبق آیین خود می توانند عمل می کنند (اصل ۱۳ قانون اساسی)

۵- برخورداری از مقبولیت مردمی از طریق انتخاب اعضای مجلس بازنگاری قانون اساسی و همچنین رای گیری در مورد تغییرات و متمم های قانون اساسی (اصل ۱۷۷ قانون اساسی)

۶- عنایت کامل به حقوق بانوان در جامعه و بنای خانواده و فراهم سازی زمینه مشارکت بانوان همراه مردان در موارد مختلف زندگی اجتماعی

مقام معظم رهبری معتقدند که ایران به مرزهای جغرافیایی سایر کشورها تجاوز نخواهد کرد و علم و تمدن اسلامی - ایرانی به سایر کشورها مفید خواهد بود. ایشان می فرمایند: آنهایی که می کوشند این طور وانمود کنند که ملت یا دولت جمهوری اسلامی ایران، در پی آن است که به آن کشور، به آن دولت، به آن مرز جغرافیایی تجاوز کند، اشتباه نکنند. ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران، برای بنای این کشور و پیشرفت این جامعه، هزاران کار بزرگ و درخشان پیش پای خود دارند که آنها را از پرداختن به چنین کارهایی باز می دارد. امروز بحمدالله کاروان علم و تمدن اسلامی - تمدنی که می تواند به دنیا خدمت کند - در این کشور به راه افتاده است. مقام معظم رهبری در تبیین آیند تمدن اسلامی هدف نهایی را تشکیل امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه دین و عقلانیت و علم و اخلاق می دانند و می فرمایند: نظام سازی کار بزرگ و اصلی شما است. این کاری پیچیده و دشوار است. نگذارید الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم افراطی، یا گرایشهای چپ مارکسیستی، خود را بر شما تحمیل کند. اردوگاه شرق چپ فرو ریخت و بلوک غرب فقط با خشونت و جنگ و خدعه بر سر پا مانده و عاقبت خیری برای آن متصور نیست. گذشت زمان به زیان آنها و به سود جریان اسلام است. هدف نهائی را باید امت واحدهی اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایهی دین و عقلانیت و علم و اخلاق، قرار داد. آزادی فلسطین از چنگال درنده ی صهیونیستها نیز هدفی بزرگ است. کشورهای بالکان و قفقاز و آسیای غربی پس از هشتاد سال از چنگال شوروی سابق نجات یافتند؛ چرا فلسطین مظلوم نتواند پس از هفتاد سال از اسارت صهیونیست های ظالم نجات یابد؟ [۶]

مقام معظم رهبری در تبیین آینده تمدن اسلامی همراه شدن معنویت با علم سیاست آزادی ثروت و تمدن را هدف قرار داده و معتقدند که اگر معنویت در زندگی انسان داخل شد زندگی، زندگی انسانی خواهد بود و نمونه کامل این دنیا در دوران ظهور حضرت بقیه الله اتفاق خواهد افتاد. ایشان می فرمایند: عرصه ی چهارم - که از همهی اینها مهمتر است و روح همه ی اینهاست - پیشرفت در عرصه ی معنویت است. ... معنویت نه با علم، نه با سیاست، نه با آزادی، نه با عرصه های دیگر، هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه معنویت روح همهی اینهاست. میتوان با معنویت قله های علم را صاحب شد و فتح کرد؛ یعنی معنویت هم وجود داشته باشد، علم هم وجود داشته باشد. دنیا در آن صورت، دنیای انسانی خواهد شد؛ دنیائی خواهد شد که شایسته ی زندگی انسان است. دنیای امروز، دنیای جنگلی است. دنیائی که در آن علم همراه باشد با معنویت، تمدن همراه باشد با معنویت، ثروت همراه باشد با معنویت، این دنیا دنیای انسانی خواهد بود. البته نمونه ی کامل این دنیا در دوران ظهور حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) اتفاق خواهد افتاد و از آنجا - من این را اینجا عرض بکنم - دنیا شروع خواهد شد. ما امروز در زمینه های مقدماتی عالم انسانی داریم حرکت می کنیم. ما مثل کسانی هستیم که در پیچ و خم های کوهها و تپه ها و راههای دشوار داریم حرکت می کنیم تا به بزرگراه برسیم. وقتی به بزرگراه رسیدیم، تازه هنگام حرکت به سمت اهداف والاست. بشریت در طول این چند هزار سال عمر خود، دارد از این کوره راهها حرکت می کند تا به بزرگراه برسد. وقتی

کشورهای اسلامی قرار بگیرد. و لذا در بیانیه پایانی کنفرانس «تجدد و اصالت دینی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» که در لبنان در بهمن ۱۳۹۰ از سوی رایزنی فرهنگی ایران در بیروت و دانشگاه لبنان، پس از برگزاری پنج جلسه علمی و ارائه ۲۵ مقاله با حضور مقامات سیاسی و علمی از ایران و بیروت برگزار شد، بر لزوم الهام گیری از قانون اساسی مترقی ایران در تدوین قانون اساسی کشورهای اسلامی که در آنها بیداری اسلامی تحقق یافته، تأکید شده است. در بخشی از این بیانیه آمده است: «در حالی که کشورهای عربی صحنه بیداری اسلامی و قیامهای مردمی هستند و در آستانه تدوین قانونهای اساسی جدید قرار دارند، توصیه میشود از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که تجربه موفق اجرائی بیش از سه دهه را بدنبال دارد؛ الهام بگیرند» [۱۰]

۲-۴- سند چشم انداز بیست ساله

متن کامل سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در اقی ۱۴۰۴ هجری شمسی؛ که در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۸۲ توسط رهبر معظم انقلاب به سران قوای سه گانه ابلاغ شد: با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی، در چشم انداز بیست ساله، ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین الملل. جامعه ایرانی در اقی این چشم انداز چنین ویژگیهایی خواهد داشت: توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادیهای مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها و بهرهمندی از امنیت اجتماعی و قضایی. برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی. امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت. برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، تبعیض و بهرهمند از محیط زیست مطلوب. فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایتمند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن. دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل. الهام بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه های امام خمینی (ره) دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت [۱۱]

۷- محافظت و تأکید بر آزادی، استقلال و رد کردن وابستگی به خارج و عقب ماندگی و آماده سازی زمینه رشد فکری، سیاسی و اجتماعی افراد و جامعه. (اصل ۲ قانون اساسی)

۸- دفاع از حقوق ملتها و مستضعفان و مبارزه با استکبار جهانی بویژه در قضیه فلسطین علیه کیان صهیونی (اصل ۳ قانون اساسی)

۹- در قانون اساسی بر وحدت امت اسلامی تصریح شده است. (اصل ۱۱ قانون اساسی)

۱۰- در غیبت امام عادل مفترض الطاعه، قانون اساسی ولایت فقیه عادل را به عنوان ولایت امر و امامت امت در خود گنجانده که رهبری امت را در عصر غیبت عهده دار است. (اصل ۵ قانون اساسی)

۱۱- در قانون اساسی استقلال نظام قضایی تضمین شده است به صورتی که همه در مقابل قانون برابرند (اصل ۲ قانون اساسی)

۱۲- آزادی دینی بوسیله قانون اساسی در ایران تضمین شده است (اصل ۱۲ قانون اساسی)

۱۳- مخاطب قانون اساسی ایران شهروندان تنها از حیث شهروندی نیست بلکه از لحاظ اینکه انسان اند، است

۱۴- نهادی برای عدم مخالفت قوانین مصوب با شرع و مفسر قانون اساسی مشخص شده است. (اصل ۴ و اصل ۹۸ قانون اساسی)

۱۵- در قانون اساسی تفکیک قوا و اصول دموکراسی در چارچوب دین یا مردم سالاری دینی رعایت شده است.

۱۶- ساز و کارهایی برای بازنگری در قانون اساسی در موارد ضروری پیش بینی شده است. و این آینده نگری قانون گذاران قانون اساسی در انعطاف، نوسازی و بازسازی قانون اساسی را نشان می دهد. (اصل ۱۷۷ قانون اساسی)

مقام معظم رهبری در زمینه انعطاف قانون اساسی می فرمایند: امروز نظام ما نظام ریاستی است؛ یعنی مردم با رأی مستقیم خودشان رئیس جمهور را انتخاب می کنند؛ تا الان هم شیوه ی بسیار خوب و تجربه شده ای است. اگر یک روزی در آینده های دور یا نزدیک - که احتمالاً در آینده های نزدیک، چنین چیزی پیش نمی آید - احساس بشود که به جای نظام ریاستی مثلاً نظام پارلمانی مطلوب است - مثل اینکه در بعضی از کشورهای دنیا معمول است - هیچ اشکالی ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی می تواند این خط هندسی را به این خط دیگر هندسی تبدیل کند؛ تفاوتی نمی کند. و از این قبیل. البته همین تغییر هم باید متکی به اصول باشد. همین نگاه دوباره و نوسازی و بازسازی هم بایستی ناظر به اصول باشد؛ برگرفته و برخاسته ی از اصول اسلامی باشد. مثلاً فرض بفرمائید شایسته سالاری. احساس بشود که شایسته سالاری، به این شکل، بهتر تحقق پیدا می کند؛ یا عدالت، به این شکل، بهتر تحقق پیدا می کند. [۹]

قانون اساسی ایران یکی از مترقی ترین قوانین اساسی است که در جهان و مخصوصاً در جهان اسلام تدوین شده و قابلیت پی ریزی یک تمدن اسلامی را در طی زمان را در آینده دارد به عبارت دیگر عناصر تمدن ساز در قانون اساسی طوری تعبیه شده است که دین با علم، سیاست با دیانت و دموکراسی با دین داری هیچگونه منافاتی نداشته باشد و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توانایی این را دارد که در عصر حساسی که به سر می بریم - و به تعبیر مقام معظم رهبری جهان در یک پیچ بزرگ تاریخ قرار دارد - و بیداری اسلامی در منطقه حساس خاورمیانه رخ داده، الگو و نمونه برای سایر قوانین

ایران و کشور عزیز ما می تواند در طول بیست سال به این آینده برسد. این یک آینده مطلوب و یک گام بلند در راه رسیدن به آرمانهای والای اسلامی است که در آن، پیشرفت مادی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت فرهنگی، تعالی معنوی و اخلاقی و هویت اسلامی وجود دارد [۱۴]

#### ۵- نقش انقلاب اسلامی ایران در احیای تمدن اسلامی

برخی مستشرقان و محققان ضمن تعریف و تمجیدهای فراوان از تمدن اسلامی، آن را امری تاریخی و مربوط به گذشته می دانند. اینان اوج شکوفایی تمدن اسلامی را قرون سوم تا ششم قمری می دانند که بعد از آن به انحطاط دچار گردید. سخن در مورد علل افول و راههای احیای تمدن اسلامی و اصول این موضوع که آیا تمدن اسلامی امکان احیاء و تجدید حیات مجدد را دارد یا خیر، از مسائل مناقشه انگیز در عصر حاضر بوده و هست. به باور ما اسلام پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یک نیروی جهانی در جوامع اسلامی حیات دوباره یافته و نگرشها و ارزشهای غربی، لیبرال دموکراسی و مجموعه تمدن مادی غرب را به گونه تعیین کننده ای به مبارزه فراخوانده است. این رویارویی با کمک گفتمان انقلاب اسلامی که پس از انقلاب به عنوان گفتمان مسلط نمود پیدا کرد حاصل آمده است و رمز و راز موفقیت این گفتمان را نیز به طور حتم باید در دال مرکزی آن یعنی اسلام جستجو کرد. گفتمانها منسجم از افراد، مفاهیم و واژگان هستند که حول یک دال برتر قرار گرفته، به زندگی انسان معنا می بخشند [۱۵]. هر گفتمان حول یک دال مرکزی می چرخد. دال مرکزی در هر گفتمان به مثابه عمود خیمه است که چنانچه برداشته شود خیمه فرو می ریزد. گفتمان منظومه ای منسجم است و دال برتر هسته مرکزی آن بوده و نیروی جاذبه هسته (دال) مرکزی سایر نشانه ها را جذب می کند [۱۷]

دال مرکزی نشانه ممتازی است که نشانه های دیگر حول آن می چرخد و انسجام می یابد. این دال، دالهای دیگر را شارژ کرده، انسجام بخشیده و آنها را در قلمرو جاذبه معنایی خود نگه می دارد [۱۸]

دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی، اسلام است و دال مرکزی این گفتمان که خود می تواند به عنوان یک فراگفتمان مطرح باشد نقطه قوت گفتمان انقلاب اسلامی و پاشنه آشیل گفتمانهای رقیب گفتمان انقلاب اسلامی است؛ زیرا که نظام معنایی برتر اسلام که بیش از یک میلیارد مسلمان را مسحور خود ساخته است از چنان قدرت و توانمندی ای برخوردار است که هیچیک از گفتمانهای رقیب را توان رویارویی و برابری با آن نیست؛ از این روست که انقلاب اسلامی با چنگ زدن به ریسمان الهی و دین مبین اسلام و تمرکز بر روی نظام معنایی خاص آن به باور ما در اصل اسلام و تمدن اسلامی مهجور مانده را از کنج عزلت خارج ساخته و در حال رقم زدن احیاء و به عبارتی تجدید حیات این تمدن بزرگ می باشد

برخی از انقلابها با انگیزه ها و رسالت «معنویت گرایانه» به وجود می آیند و برخی خیر. در ارتباط با انقلاب اسلامی چنین به نظر می رسد که شاهد تحقق الگوی خاصی می باشیم که از آن به عنوان «الگوی تلفیقی» یاد می نمایم. در این الگوی تلفیقی، ارتباط دو حوزه

توجه به ماهیت و تبار تاریخی انقلاب اسلامی، نشان می دهد که آرمان و رسالت اصلی آن، همان آرمان و رسالت نهضت انبیاء - علیهم السلام و دین مبین اسلام است. براساس منطق آینده شناسی و آینده پردازی و برنامه ریزی راهبردی ملی، همانا طراحی، تصویب و ابلاغ سند چشم انداز بیست ساله نظام، گامی اساسی در توسعه درونزاد دینی و متناسب با آرمانها و اهداف انقلاب اسلامی برای زاد بوم و خاستگاه آن یعنی ایران محسوب می شود. تحقق کامل اهداف تعیین شده در این سند، می تواند جامعه را به آرمانهای انقلاب اسلامی بسیار نزدیک کند. همچنین تحقق سند چشم انداز بیست ساله، براساس منطق راهبردی حاکم بر این سند و ابعاد راهبردی تحقق کامل و بهینه آن، موقعیت ایران را از یک قدرت منطقه ای نسبی به قدرت بزرگ منطقه ای محور ارتقاء می دهد و در نتیجه کسب امنیت و ثبات پایدار از طریق تعامل دو وجهی راهبرد توسعه و راهبرد امنیت ملی، زمینه پرداختن جدی و مطمئن به آرمانهای اسلامی و انقلابی در وری مرزهای جغرافیایی انقلاب را به خوبی فراهم خواهد کرد. به سند چشم انداز از این بُعد برای تمدن سازی نگاه می کنیم که به تعبیر مقام معظم رهبری، ایران «حوزه ی تمدنی فرهنگ اسلامی [۱۲]

ما اگر به کشورهای پیرامون ایران مثل ترکمنستان، آذربایجان، افغانستان و ... نگاه کنیم همه کشورهایی هستند که از ایران جدا شده اند و این کشورها اصالت و تمدنی غیر از ایران ندارند و تمدنشان متصل به ایران است. اگر ایران با توجه به سند چشم انداز بیست ساله پیشرفت کند و صاحب تمدنی مدرن با حفظ ارزشهای اسلامی شود از منافع و مزایای آن کشورهای پیرامون ایران و امت اسلامی هم می تواند استفاده کند. در این مورد مقام معظم رهبری می فرمایند: چشم انداز حرکت ملت ایران با این زمینه ای که مشاهده می کنید، چشم انداز بسیار روشنی است؛ هم میراث گذشته ی ما، هم موجودی استعداد بسیار ارزنده ی ما، هم همت و انگیزه ای که در بیانات دوستان این جلسه به طور واضح این انگیزه و این اهتمام احساس می شود و هم گرایش دینی و خدائی در این حرکت، همه در مجموع یک ثروت عظیم ملی است برای ما. همه ی اینها به ما نوید می دهد که ما این شاء الله خواهیم توانست تمدن اسلامی متعلق به ملت ایران را برای این دوره و برای امت اسلامی در این زمان بار دیگر سر دست بیاوریم و الگوئی را برای حرکت امت اسلامی این شاء الله ارائه بدهیم [۱۳]

الگو بودن جمهوری اسلامی ایران می طلبد که ایران در عرصه های اقتصادی علمی فرهنگی و سیاسی کشوری موفق باشد و کشورهای همجوار در درجه اول و کشورهای اسلامی خاورمیانه در درجه دوم می توانند از آن الگو بگیرد. مقام معظم رهبری در تبیین سند بیست ساله به رسیدن به آرمانهای والای اسلامی که در آن، پیشرفت مادی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت فرهنگی، تعالی معنوی و اخلاقی و هویت اسلامی اشاره کرده و می فرمایند: آنچه مردم عزیز ما خوب است مطلع باشند و بدانند، این است که چشمانداز بیست ساله ی ابلاغ شده به مسؤولان سیاستگذاری و برنامه ریزی، یک امر عملی و منطقی و قابل تحقق است. نباید تصور شود کلماتی که در چشمانداز بیست ساله پشت سر هم نوشته می شود، صرفاً یک آرزوست و بدون محاسبه ی عملی است. به فضل پروردگار، ملت

دربرمیگیرند؛ همانهایی که به تعبیر مرحوم شریعتی به نوعی تحت استعمار، استعمار، استثمار و استبداد قرار گرفته اند [۲۰]. تمدنی که اسلام بنا کرد گرچه دوره‌های ضعف و رکود داشت اما منحنی نشد و در زمانها و مکانهای مختلف از مدینه و کوفه و شام و بغداد و قاهره و قرطبه تا هرات و استانبول و اصفهان و دهلی در چرخش بود. تمدنی که اسلام بنانهاد، جامع الاطراف بود ولی توحید جوهره اصلی آن محسوب میشد. از این رو مبانی و منابع تمدن اسلامی را باید در خود اسلام جستجو کرد نه بیرون از آن. اصولاً در نظام فرهنگی اسلام، دین عنصری در کنار سایر عناصر نیست، بلکه محور و اساس فرهنگ و تمدن اسلامی است و تجلی آن در تمامی مظاهر از معماری تا ادبیات و از پزشکی تا آداب و رسوم قابل مشاهده است. پاره ای از مهمترین عواملی که به موفقیت و پیشرفت سریع تمدن اسلامی یاری رساندند را می توانیم اینگونه بیان کنیم:

- ۱- جهانی اندیشیدن، جهان شمول بودن و مرز نشناختن
  - ۲- تساهل و مدارا، گشادگی مشرب و آمادگی برای پذیرش افکار تازه و عناصر فرهنگی دیگران و منطبق ساختن آن با روح توحیدی اسلام
  - ۳- تبلیغی و باز بودن اسلام در مقایسه با آیین های بسته ای چون آیین یهودی و زردشتی
  - ۴- تعادل در نگرش میان دنیا و عقبا و نیز توجه به سیاست و اجتماع
  - ۵- تاکید بر عدالت و برابری نژادها و احترام به حقوق ملل و مذاهب دیگر
  - ۶- ایجاد زمینه فکری برای گسترش نهضت علمی با تاکید بر تجربی اندیشیدن و توجه دادن انسان به نظام طبیعی و اسرار آن
- به واقع همین مولفه ها است که پتانسیلی عظیم را برای تمدن اسلامی به وجود آورده است و چنانچه از این توانمندی به درستی بهره گرفته شود می توانیم با دلی پر امید از آینده روشن و درخشان تمدن اسلامی سخن گوئیم. فرهنگ و تمدن اسلامی با حفظ اصول اساسی خود تالیفی و ترکیبی بود. این فرهنگ و تمدن عظیم یک باره برنیامد بلکه برشالوده تمدنهای پیشین بنا گشت و مصالح را از تمدنهای قبل از خود گرفت اما روح آن از اسلام بود. از این رو سخن از پایان تمدن اسلامی و عدم امکان احیاء و تجدید حیات آن علاوه بر اینکه سخنی ناصواب می باشد، به دور از آموزه های علمی نیز هست. رویداد انقلاب بهمن ۱۳۵۷ در ایران بی تردید حادثه ای بزرگ در قرن بیستم به شمار می رود. با سقوط سریع و همه جانبه حکومت دیکتاتوری پهلوی و اضمحلال ساختاری آن، رویکرد نوینی با ایجاد نوعی هژمونی جدید گفتمانی، تحت عنوان «انقلاب اسلامی» پدیدار گردید. این انقلاب در اساس بنیادین خود؛ متأثر از گفتمان احیای فرهنگ و تمدن اسلامی بود. گفتمان احیاء که به عبارتی، «بازگشت به خویش انسان مسلمان ایرانی» است، ضمن چالش با گفتمان رایج تاریخی در این مرز و بوم، نوعی حرکت و تجمع و آگاهی همگانی را نیز به همراه آورد. این گفتمان به موازات چالش عقلانی با پارادایمهای مسلط و غالب، در مقام نفی رویکرد تک خطی حاصل از کلانروایت غربی برآمد. مجموعه ویژگیهای موجود در این رویکرد و نهفته در ادبیات غنی آن، به شکل «کردار احیاء» هم گسستی معرفت شناسانه از الگوهای غالب پیشین بود و در همان

مورد نظر به شکل اقماری برقرار می گردد. به این صورت که ساختار انقلاب اسلامی را می توان به دو ساخت اصلی تفکیک کرد: اول: ساخت مرکزی که مشتمل است بر ارزشهای عالی اسلامی است. دوم: ساخت پیرامونی که مشتمل است بر ملاحظات و اهداف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی. از این منظر هدف نخستین انقلاب اسلامی، ارتقای روح انسانی و تربیت الهی اوست تا از این طریق فضای معنوی مورد نظر اسلامی پدید آید. در این سطح، «اسلام» مدنظر است و غیر از آن هیچ عاملی مورد توجه نیست. معمار انقلاب اسلامی، حضرت امام(ره) در تحلیل این سطح از انقلاب اسلامی است که اظهار داشته اند: «ما که نهضت کردیم برای اسلام نهضت کردیم. جمهوری ما جمهوری اسلامی است... نهضت برای اسلام همان دنبال نهضت انبیاء است» (خمینی [۱۹]).

اگر در گفتمان سیاسی امام(ره) مشاهده می شود که قدرت مورد نقد قرار می گیرد و ارزش آن به چالش فراخوانده می شود، از همین منظر قابل فهم است؛ چرا که به گفته ایشان، مردم نه برای اقتصاد و یا قدرت قیام نکردند، بلکه قیام کردند تا اسلام حاکم بشود. فرهنگ دینی به این معنی، در انقلاب اسلامی به مثابه یک گفتمان نمود پیدا می کند. از این رو امکان صورتبندی گفتمانی یا تشکیل گفتمان جدیدی در انقلاب اسلامی فراهم میآید؛ و نظام دانایی را به گونهای شکل می دهد که با تمام قدرت خود در خدمت «اندیشه دینی» قرار می گیرد. در این چارچوب، انقلاب اسلامی یک تشکل گفتمانی خاص عرضه داشت؛ که وجوه فراگفتمانی خاصی را نیز با خود به همراه داشت؛ در این تشکل گفتمانی مفاهیم شناور و سیال به تسخیر مدلولهای بدیعی درمی آیند که رنگ و بوی مذهبی و دینی دارند و یک نظام حقیقی یا نظام صدقی ایجاد می شود که محتوای خود و مدلولهای خودش را با ابداعاتی تهی عرضه نمی دارد و در مجموع یک گفتمان طراحی می شود با تاروپودی جدید و نوین که هم با فضای «فرهنگ جمعی» و هم با «فضای فرهنگ ملی» و هم با «فضای فرهنگ دینی» ایرانیان مناسبت دارد و هم فضای روانشناختی، هم فضای رفتاری و هم فضای گفتاری و نوشتاری را به رنگ خودش، درمی آورد. به همین دلیل «فراگفتمانی» را شکل می بخشد که تناقضنا یا پارادوکس حاکمیت الهی و حاکمیت مردمی را در صحنه واقعتهای عینی و بافت موقعیتی حاصل در خود مستحیل سازد. انقلاب اسلامی در این دیدگاه، می تواند خرده گفتمانهایی را که داعیه هایی داشتند، در درون خود مستحیل کند و دقایق ترقی سایر گفتمانها را در درون خودش با معانی و مفاهیمی عرضه دارد که در بافت هویت و فرهنگ دینی ایرانیان از قدرتی فزاینده تر بهره مند می شود و قدرتمندانه تر بازتاب پیدا می کند؛ دالها را به کار می گیرد ولی مدلولهای خودش را به آن ارزانی می کند. از اینرو «ادبیات گفتمانی» خاص خود را دارد. از همینرو اگرچه در گفتمانهای رهاییبخش سوسیالیستی، لیبرالیستی و ناسیونالیستی مفاهیمی تحت عنوان، مبارزات ضدامپریالیستی مطرح می شود؛ در انقلاب اسلامی مفهوم «مبارزه ضداستکباری» مطرح می شود که هم استبداد، هم استعمار و هم امپریالیسم را دربر می گیرد و از آن فراتر می رود. اگر در انقلابهای سوسیالیستی پروتئاریا مطرح می شود در انقلاب اسلامی «زحمتکشان و تمام مستضعفین» مطرح می شوند؛ که قشر کارگر و دیگر زحمتکشان را نیز

حال از گزینشهای مثبت در بخش متون بومی داخل و خارج گریزان نبود.

در چنین شرایطی گفت‌وگوهای اسلامی حضور پر قدرت آنها را به چالش می کشد و در پی آن رستاخیز عظیمی در اجتماع، فرهنگ، و سیاست ایجاد میشود. انقلاب اسلامی با تبدیل اسلام به دال مرکزیت گامی مهم در جهت احیای تمدن اسلامی برداشته است. اسلام پیش از شکل گیری گفت‌وگوهای اسلامی گرایان یا انقلاب اسلامی دال شناوری بوده است که اسلام گرایان سعی نمودند بر اساس منطق هم ارزی و تفاوت با معنا بخشی به آن و مفصل بندی مجدد آن در گفت‌وگوهای خویش و در نهایت تبدیل آن به یک دال مرکزی هویت کلی گفت‌وگویی خود را شکل دهند. تمسک به اسلام از سوی مسلمانان در اینجا بر اساس منطق هم ارزی آنها را در یک ردیف قرار داده و منطق تفاوت نیز آنها را از انسان مدرن غربی متمایز می سازد. از این رو، ما برای تعریف هویت اسلامی می بایست به دال مرکزی اسلام و چگونگی مفصل بندی و چینش آن با نشانه های دیگر در گفت‌وگوهای اسلامی گرایان بپردازیم. چنین ترکیبی در درون خود ضمن تعریف هویت کلان گفت‌وگویی و ویژگیها و جایگاه افراد را در درون خود معین و مشخص خواهد نمود. در مجموع می توان چنین گفت که با پیروزی انقلاب اسلامی کلان گفت‌وگو یا به تعبیری فراگفت‌وگوهای اسلامی که مدتها در حاشیه مانده و با وجود آنکه در قلب تمامی مردم مسلمان ایران جای داشت در مباحث و موضوعات سیاسی و اجتماعی جایی نداشت، در متن امور و تمامی حوزه ها وارد شد و بدین ترتیب در مسیر احیاء قرار گرفت [۲۱].

۶- نتیجه گیری

ابعاد معنوی، الهی و وحیانی انقلاب اسلامی تحولات فکری عمیقی را در سطح داخلی و بین المللی به وجود آورد. به طوری که مطالعه پیرامون مذهب و نقش آن در صحنه های سیاسی و بین المللی و در جنبه های فردی و اجتماعی و بهره گیری از آن در سیاستهای مختلف، علیرغم دو قرن تلاش برای منزوی و مطرود کردن مذهب در دستور کار سازمان ملل، یونسکو و سازمانهای ملی و بینالمللی در آمده است و دیگر شعارهای ضدیت علم و دین، فردی و بی نقش بودن آن و حتی جدایی دین و سیاست از نظریه های سیاسی و جامعه شناختی خارج شده است. هر انقلابی نه تنها سامان سیاسی جدیدی را به همراه دارد و نظم جدیدی را به ارمغان می آورد بلکه مجموعه به هم پیوسته ای از مفاهیم واژه ها و ادبیات جدیدی را نیز با خود به همراه می آورد و گاهی شعاع این گفت‌وگوهای نوین مرزهای جغرافیایی یک کشور را در نوردیده و دامنه تاثیر آن تا فراسوی مرزهای آن کشور می رود. انقلاب اسلامی افزون بر تحولات سیاسی اجتماعی و ایجاد تغییر و دگرگونی در ساختارها گفت‌وگوهای نوینی را به منصف ظهور رسانده و مطرح نمود که جهان را به لرزه درآورده و بویژه مسلمانان جهان را سخت تحت تاثیر قرار داد و مجذوب خود کرد. این انقلاب با داشتن مولفه هایی همچون حکومت مردم سالاری دینی، استقلال، مبارزه با طاغوت و استکبار جهانی، دفاع از محرومین و مستضعفین، امت اسلامی، طرح شعار برابری و مساوات مجموعه به هم پیوسته ای از مفاهیم را متشکل ساخت که در جریان انقلاب اسلامی وارد ادبیات سیاسی شد و در مجموع گفت‌وگوهای نوینی را شکل داد که می توان آن را گفت‌وگوهای اسلامی نام نهاد. با

پیروزی انقلاب اسلامی گفت‌وگوهای اسلامی به عنوان گفت‌وگوهای مسلط در این انقلاب مطرح گردید. این امر میمون و مبارک ارمغان بسیاری برای ایران و جهان اسلام و به تبع آن تمامی مسلمانان جهان داشته است. یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب اسلامی که با هیچ دستاورد مادی و معنوی دیگری قابل مقایسه نیست از حاشیه به متن آوردن فراگفت‌وگوهای اسلامی است. دال مرکزی گفت‌وگوهای انقلاب اسلامی که همان هسته گفت‌وگوهای اسلامی است را اسلام تشکیل می دهد و گفت‌وگوهای انقلاب اسلامی بدون تکیه بر اسلام و ارزشها و اصول آن دچار بی معنایی می گردد.

اتحاد مسلمین فواید فراوانی دارد که می تواند مسلمین را در امور اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی در مسیر واحد قرار دهد تا در کشمکش های بین المللی با هم یکی شوند. در واقع وحدت مسلمین حکم قرآن است و ترک آن حرام است و عمل به آن واجب. تمامی مسلمین جهان باید در برابر استعمار و فریبهای آن هواس خود را جمع و وحدت و بصیرت خود را حفظ نموده و به راحتی در دام آنها نیفتند. تعالیم قرآنی از جمله دستورات و رهنمودهایی که به آن یکپارچگی و تشکیل امت اسلامی انجامید امروز هم بی کم و کاست در اختیار ماست. از آنجایی که به اعتقاد تمامی مسلمانان، دین اسلام دین خاتم است و قرآن، معجزه ای جاویدان پیامبر خاتم و کتاب تحریف نشده ای می باشد این تعالیم امروز هم می توانند عامل یکپارچگی جامعه جامعه ی مسلمانان باشند. قرآن مجید همه ی مسلمانان را با هم برادر می داند و می فرماید: «انما المؤمنون اخوة» در حقیقت مؤمنان با یکدیگر برادرند». بنابراین همه ی مسلمانان به واسطه ی ایمان به خدای یکتا با یکدیگر برادرند و باید قدر دان این برادری باشند و با هم نزاع نکنند. حضرت امام (ره) نیز بر این اعتقاد بودند که در حل معضلات جامعه ی اسلامی وحدت و بیداری مسلمانان می تواند بسیار راهگشا باشد؛ در واقع اندیشه های ایشان بار دیگر عنوان وحدت در جوامع اسلامی را بار دیگر زنده کرد. وحدت با اراده و ایمان پایدار مسلمین تحقق پیدا خواهد کرد و آرزوی آنها محقق خواهد شد. باید در ایجاد وحدت امت اسلامی و بیداری جوامع مسلمانان از خواب غفلتی که آنها را فرا گرفته است، امیدوار باشیم و آن را خواب و خیال تصور نکنیم. مسلمانان باید در صفی واحد بدور از اختلافات فرقه ای و گروهی فرصت سوز، به دفاع از اسلام و حیثیت مسلمانان برخیزند. اندیشه روشن حضرت امام (ره) طی دهها سال جهاد و مبارزه با دشمنان اسلام و قرآن، گواه صادقی بر این حقیقت است که باید با وحدت و برادری و دوری از اختلافات فسل کننده از اسلام و مسلمین دفاع کرد و در پی تجدید عزت و شوکت در قالب تشکیل تمدن جهانی اسلام بود.

## References

1. Khomeini, Seyyed Ruhollah, 1385, Sahifa Noor, Tehran, message to Kurdish brothers and sisters 8/26/1958
2. Khomeini, Seyyed Ruhollah, 1386, Sahifa Noor, Tehran, a speech to the



18. Soltani, Seyed Ali Asghar, 2013, discourse analysis as a theory and method, Journal of Political Science
  19. Khomeini, Seyyed Ruhollah, 1378, Sahifa Noor, Tehran.
  20. Motaharnia, Mehdi, 2012, Religious culture, the role of religion in transformation and its discourse moments in the Islamic Revolution, Andiseh Inglebah Islamic Magazine, No. 7-8.
  21. Haji Sadeghi, Abdullah, 1388, Pathology of the Islamic Revolution, Zamzam Hidayat
- members of the Quds Freedom Congress, 5/18/1959
  3. Khomeini, Seyyed Ruhollah, 1385, Sahifa Noor, Tehran, message to Kurdish brothers and sisters 8/26/1958
  4. Parvaneh, Mahmoud, 1389, The Model of Islamic Worldism in the Political Thought of Imam Khomeini (RA), Tehran, Imam Sadiq University
  5. Statements of the Supreme Leader of Dardidar Itsargaran 05/29/1376
  6. Statements of the Supreme Leader regarding the components and indicators of Iranian Islamic progress, 2/19/1390
  7. Statements of the Supreme Leader in the first meeting of strategic thoughts on 9/10/2019
  8. Statements of the Supreme Leader at the elite meeting on 02/17/1387
  9. Statements of the Supreme Leader in a meeting with academicians of Kermanshah province on 7/24/2013
  10. The final statement of the Conference on Modernity and Religious Authenticity in the Constitution of the Islamic Republic of Iran, February 2019
  11. The introduction of the twenty-year vision document of the Islamic Republic of Iran in the horizon of 1404 AH
  12. Hadith Velayat, notification of the general policies of the fifth development program by the supreme leader of the revolution 10/21/1387
  13. The Supreme Leader's statements in the Friday prayer sermons in Tehran, 08/23/1382
  14. Statements of the supreme leader in the elite meeting on 02/17/1387
  15. Khalji, Abbas, 1386, theoretical inconsistencies and political failure of reformist discourse, University of Tehran
  16. Khalji, Abbas, 1386, theoretical inconsistencies and political failure of reformist discourse, University of Tehran
  17. Khomeini, Seyyed Ruhollah, 1378, Sahifa Noor, Tehran.